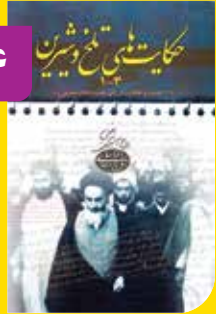


حکایت‌های تلخ و شیرین

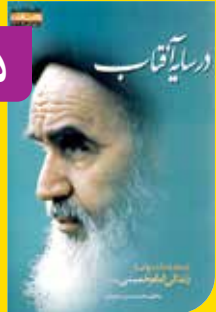


۴

■ مجموعه نویسندگان
■ قدر ولایت

بسیاری از خاطراتی که از رفتارها و سیره عملی امام خمینی طی سال‌ها در رسانه‌های گوناگون به بهانه‌های متفاوت منتشر می‌شده‌اند و پراکنده بوده‌اند توسط نویسنده این اثر جمع‌آوری شده و در سه جلد به چاپ رسیده است. چند صد نکته ناب از سیره رهبر کبیر انقلاب مربوط به مبارزات ایشان با نظام شاهنشاهی در این مجموعه گردآوری شده است.

در سایه آفتاب



۵

■ محمدحسین رحیمیان
■ نشر شاهد

این کتاب درباره مردی است که ۲۵ سال از عمر خود را در پرتو حضور امام خمینی بالیده و دریغش آمده است که مشاهدات خود را چون جرعه‌ای زلال در کام مشتاقان علم و اخلاق و عرفان نریزد. نویسنده فاضل این اثر از نزدیکان دوران آغازین مبارزه و همچنین ایام تدریس امام خمینی در نجف است که تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با ایشان همراه بوده است.

حدیث بیداری



۶

■ حمید انصاری
■ نشر عروج

این کتاب مروری است بر مهم‌ترین وقایع زندگانی امام. جریان قیام و مبارزات ایشان و رهبری ایشان در دوران انقلاب اسلامی بخش‌هایی از زندگی ایشان است که کتاب حاضر به آن‌ها پرداخته است. از تولد تا استقرار در قم، تبعید به ترکیه، تبعید به عراق، مهم‌ترین رویدادهای سیاسی از ۱۵ خرداد تا پیروزی انقلاب، سفر امام به پاریس، بازگشت به ایران و... از عناوین این کتاب هستند.

خدا است. ما... می‌گوییم حکومت باید با قانون خدایی که صلاح کشور و مردم است اداره شود و این، بی‌نظارت روحانی صورت نمی‌گیرد.»
امام خمینی سپس جزئی‌تر وارد بحث شده و اذعان می‌کند که امام دوازدهم مسئولیت حفظ امت را به مجتهدان واگذار کرده است؛ هر چند مجتهدان باید خود را از دولت دور نگه دارند و آن را چون شر لازم قلمداد و تحمل نمایند. امام خمینی در کشف‌الاسرار اقتدار سیاسی عالی برای علما در نظر می‌گیرد و می‌نویسد: «ما ذکر کردیم که هیچ فقیهی نگفته تاکنون و در کتابی هم ننوشته که ما شاه هستیم. یا نگفته که سلطنت حق ماست. آری آنطور که ما بیان کردیم، اگر سلطنت و حکومتی تشکیل شود، هر خردمندی تصدیق می‌کند که آن خوب است و مطابق با مصالح کشور و مردم است. البته بهترین تشکیلات آن است که بر اساس احکام خدا و عدل الهی باشد، لکن اکنون که آن را از آن‌ها نمی‌پذیرند، این‌ها هم با این هیچ‌گاه مخالفت نکرده و نمی‌خواسته‌اند که اساس حکومت را برهم بزنند.»

امام در کشف‌الاسرار به طور خاص به مسئله حکومت و نقش علما در این زمینه پرداخته و با استناد به احادیث ولایت فقیه بیان می‌کنند که در زمان غیبت، حکومت از آن فقیه است، اما آن را در حد «نظارت کنترل کننده» می‌داند: «ما نمی‌گوییم حکومت باید با فقیه باشد، بلکه می‌گوییم حکومت باید با قانون خدایی که صلاح کشور و مردم است، اداره شود و این بی‌نظارت روحانی صورت نمی‌گیرد، چنانچه دولت مشروطه نیز این امر را تصویب و تصدیق کرده است.»

امام در کتاب کشف‌الاسرار با بیان عدم مخالفت خود و علما با اصل تشکیلات و حکومت، تأکید می‌کنند که فقه شیعی معتقد به ضرورت دائمی وجود حکومت است. از دید امام، علمای پیشین نیز همواره سلطنت الهی را حق و سایر سلطنت‌ها را جور می‌دانستند، ولی به دلیل عدم استقرار و پذیرش آن، به نظام‌های غیر الهی بسنده کرده‌اند و برای رعایت مصلحت عدم مخالفت با اصل تشکیلات حکومتی، اسمی از حکومت نبرده‌اند و از میان وظایف فقهی، تنها به وظیفه فتوا و قضاوت و دخالت در حفظ مال صغیر و قاصر بسنده کرده‌اند. امام در این باره می‌فرماید: «مجتهدین هیچ وقت با نظام مملکت و با استقلال ممالک اسلامی مخالفت نکرده‌اند. فرضا که این قوانین را بر خلاف دستورات خدای بدانند و حکومت را جابرانه تشخیص دهند، باز مخالفت با آن نکرده‌اند و نمی‌کنند، زیرا که این نظام پوسیده را باز بهتر می‌دانند از نبودنش و لهذا حدود ولایت و حکومت را که تعیین می‌کنند، بیش‌تر از چند امر نیست، از این جهت، فتوا و قضاوت و دخالت در حفظ مال صغیر و قاصر در بین آن‌ها هیچ اسمی از حکومت نیست و ابدأ از سلطنت اسمی نمی‌برند، با آن که جز سلطنت خدای همه سلطنت‌ها بر خلاف مصلحت مردم و جور است و جز قانون خدایی همه قوانین باطل و بیهوده است، ولی آن‌ها همین بیهوده را هم تا [وقتی] نظام بهتری تأسیس نشود، محترم می‌شمارند و لغو نمی‌کنند. هیچ فقیهی تاکنون نگفته و در کتابی هم ننوشته که شاه هستیم یا سلطنت، حق ما است. آری آن طور که ما بیان کردیم اگر سلطنتی و حکومتی تشکیل شود، هر خردمندی تصدیق می‌کند که آن خوب است و مطابق مصالح کشور و مردم است، البته تشکیلاتی که بر اساس احکام خدا و عدل الهی تأسیس شود، بهترین تشکیلات است، لکن اکنون که آن را از آن‌ها نمی‌پذیرند این‌ها هم با این نیمه تشکیلات هیچ گونه مخالفت نکرده است.»

همه اشکالات او بودند به وادی مباحث ولایت فقیه و شأن فقها کشانده است. مطالب مربوط به ولایت فقیه را در صفحات ۱۷۹ تا ۱۹۲ و ۲۲۱ تا ۲۲۴ این کتاب می‌توان مورد مطالعه قرار داد. ولایت فقیه در عصر غیبت در این کتاب بدون توضیح وافیه و پرداختن به فروع مسأله مطرح شده است و حتی با تردید همراه بوده است امام در این زمینه می‌فرماید: «ولایت مجتهد که مورد سؤال است از روز اول میان خود مجتهدین مورد بحث بوده؛ هم در اصل داشتن ولایت و نداشتن و هم در حدود ولایت و دامنه حکومت او، این یکی از فروع فقیهیه است که طرفین دلیل‌هایی می‌آورند که عمده آنها احادیثی است که از پیغمبر و امام وارد شده است. امام با توجه به شرایط مانی و حال و هوای تألیف کتاب و هوچی‌گری‌های نویسنده کتاب اسرار هزارساله و وضع استثنایی کشور به نظریه نظارت فقه بر قوانین مجلس و حکومت پادشاهان صحنه گذاشته تا بلکه از این طریق در حفظ و اجرای دستورات اسلام و نگاه داشتن حکومت از فساد موفق شوند. البته حضرت امام اشاراتی مبنی بر حداقل بودن این نظریه داشته و روایاتی را که به شأن مطلوب فقه اشاره دارد ذکر نموده‌اند. این کتاب مجموعاً سندی گویایی از ظلم‌ستیزی و مبارزه با استعمار و افشای چهره رضاخان و عمال او بوده و نشان‌دهنده عمق تفکر ضد استبدادی و ضد استعماری امام خمینی است.

علی‌اکبر حکمی‌زاده در پرسش‌های خود به دین اسلام، روحانیت و مسائل حکومتی اسلام اشکالات، اظهارنظرها و خرده‌گیری‌هایی کرده بود که یکی از آن خرده‌گیری‌ها این بود: اسلام یک دین حکومتی نیست و نمی‌تواند دنیای مردم را اداره کند. امام خمینی ضمن پاسخ به این ایراد نویسنده که می‌گوید: «این که حکومت، حق فقیه است هیچ دلیلی وجود ندارد»، درباره وجود دلیل بر حکومت فقیه می‌نویسد: «مبانی عمده‌اش (مبانی عمده حق حکومت برای فقیه) اخبار است و احادیث ائمه (ع) است که آن هم متصل است به پیغمبر (ص) و آن هم از وحی الهی است. اینک چند حدیث در این جا ذکر می‌کنیم (به عنوان دلیل بر حکومت فقیه) تا معلوم شود به کلی از فقه بی‌خبرند.» حضرت امام (ره) آن‌گاه به چهار روایت اشاره می‌کنند. این روایات در کتاب‌های البیع و حکومت اسلامی به عنوان دلایل نقلی بر ولایت فقیه به تفصیل ذکر شده‌اند. این چهار روایت عبارت‌اند از:

۱- توفیق شریف امام (ع): «و اما الحوادث، الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا، فانهم جحتی علیکم و انا حجة الله.»

۲- روایت منقول از امیرالمومنین (ع) از پیامبر اکرم (ص): «اللهم ارحم خلفائی. قبل یا رسول الله و من خلفاؤک؟ قال: الذین یاتون من بعدی یرون عنی حدیثی و سنتی.»

۳- روایت معروف مقبوله عمر بن حنظله

۴- روایت تحف العقول از سیدالشهداء (ع): «بان مجاری الامور و الاحکام علی اید العلماء بالله...»

امام در کتاب کشف‌الاسرار درباره مبنای مشروعیت الهی نیز وارد بحث می‌شود و این چنین می‌نویسد: «کسی جز خدا حق حکومت بر کسی را ندارد، حق قانون‌گذاری ندارد. به حکم عقل، خدا باید برای مردم حکومت تشکیل دهد و قانون وضع کند. اما قانون همان قوانین اسلام است که وضع کرده و پس از این، اثبات می‌کنیم که این قانون برای همه و همیشه است.» امام در ادامه می‌نویسد: «تنها حکومتی که خرد را حق می‌داند و با آغوش گشاده و چهره باز آن را می‌پذیرد، حکومت

امام خمینی (ره) در کشف‌الاسرار به شبهات و تبلیغات ضد دینی و ضد روحانی اسرار هزارساله پاسخ گفته و به استناد حقایق تاریخی و ضمن طرح و نقد آراء فلاسفه یونان قدیم، فلاسفه اسلام و فلاسفه معاصر غرب، بر حقایق تشیع و نقش سازنده روحانیت اسلام تأکید ورزیده است